

# حقوق و دستمزد و رابطه‌ی آن با فقر

حسین اکبری

## متن بخشی از سخنرانی در نشست مجازی کانون دانش‌آموختگان اقتصاد

با سلام به همه عزیزانی که در این نشست مجازی کانون دانش‌آموختگان اقتصاد حضور دارند در آستانه سال 1401 سال نو را پیشاپیش به همه شادباش می‌گویم و برای همه صلح، شادی و سلامتی و خوشبختی آرزو دارم. همچنین یاد و خاطره همه‌ی وابستگان به کانون دانش‌آموختگان اقتصاد را که طی این دو سال به سبب شرایط ناگوار بهداشت و درمان و ابتلای به بیماری کرونا اکنون در کنار مانیتند به ویژه یاد دکتر فریبرز رئیس‌دانا را که نبودشان به شدت در این روزها حس میشود. را گرامی بداریم.

موضوع نشست امروز ما همانطور که گفته شد، حقوق و دستمزد و رابطه‌ی آن با فقر است. من فکر می‌کنم ابتدا به ساکن که لازمست در ذهن خودمان یک تصحیحی در مورد نادرستی کاربرد واژه‌ی حقوق را در ارتباط با مزد انجام بدهیم و به این نکته توجه کنیم که واژه‌ی حقوق معنایش به نادرست در روابط کار به مزد، تعبیر شده است و این غلط مصطلح در فرهنگ کار و روابط و مناسبات کار و تولید موجب گردیده است که از کاربرد درست "حقوق" به معنای مجموعه امتیازهای فرد کارگر در کار و جامعه غافل شویم و در توضیح اساسی‌ترین حقوق کارگر در معنای کلی و وسیع آن باز بمانیم. توضیح درست موضوع حقوق از طرفی موجب می‌شود که ضمن پاکسازی فرهنگ کار از شر واژگان نابجا و گمراه‌کننده به اصل موضوع مزد نیز از دیدگاه درست اقتصاد سیاسی توجه بشود.

اصطلاح "حقوق" به جای مزد و یا دستمزد در فرهنگ یک قرن اخیر یعنی به دنبال رواج فرهنگ مدرن در زندگی اجتماعی ایران، تحت تاثیر دوگانگی در روابط کار در بخش دولتی و غیردولتی و همچنین تحت تاثیر تفاوت بین کار پیدی و فکری در جامعه جا افتاده است و این تاثیرات به قوانین ما هم سرایت کرده است اگر چه در مواردی تلاش شده تا این اصلاح از زاویه حقوقی در قانون و قانونگزاری صورت‌گیرد، اما این تلاش ناکافی متاثر از کمبود دانایی از موضوع "حقوق" چه از منظر اقتصادی و چه از منظر جامعه‌شناسی به جایی نرسیده است و همچنان این نادرستی کاربردی واژه‌ی حقوق به جای دستمزد ادامه دارد.

این موضوع را در قانون کار هم می بینیم. در قانون کار، قانونگذار تلاش کرده است بین مزد و مزایای مزدی، با استفاده از حق السعی تفاوت را به رسمیت بشناسد مثلاً در ماده 2 قانون کار "حق السعی" به مزد، حقوق، سهم سود و سایر مزایا تعریف شده ولی در ماده 34 آمده است کلیه دریافت های قانونی که کارگر به اعتبار قرارداد کار اعم از مزد یا حقوق، کمک عائله مندی، هزینه مسکن، خواربار، ایاب و ذهاب، مزایای غیر نقدی، پاداش افزایش تولید، سود سالانه و نظایر آنها دریافت می نماید را حق السعی می نامند.

می بینیم این غلط مصطلح، علاوه بر دوگانگی در روابط کار دولتی و غیردولتی در قانون کار هم راه پیدا کرده است دلیل این موضوع هم بنظر من ماهیتی اغفالگرانه برای کارگران در درک محدود و تقلیل یافته از حقوق کار بوده است. کوشش براین بوده و هست که حقوق کارگر را تا حد و میزان دستمزد و مزایای مزدی محدود کنند و درست از همین رابطه نیز طبعاً هر گونه پیشروی کارگران را در درک و شناخت از حقوق به عنوان امتیازات فرد و یا افراد یک طبقه اجتماعی در جامعه، محدود سازند.

اگر این معنای درست را که "علم حقوق، علم تشخیص مجاز از ممنوع است" شاخصی برای حقوق کارگر قرار دهیم به خوبی در می یابیم که قانونگذار و نظامات حاکم بر جامعه می ما تا کنون به این وسیله و با استفاده از این غلط مصطلح؛ مرز "ممنوع" را برای کارگران در برابر "مجاز" توسعه و گسترش داده اند. برای فهم بیشتر این ادعا لازمست که توضیحاتی در باره حق و حقوق بدهم و اثره حق کلمه سه حرفی از "ح" و "ق" مشدد است که جمع آن حقوق است. یعنی دسته ای از امتیازات شناخته شده و رسمیت یافته در مناسبات و ضوابط که اصول و قوانینی آن را در جامعه ضمانت می کند.

خب وقتی از این حقوق صحبت می کنیم دیگر نگاه صرف اقتصادی بر آن نداریم چرا که حقوق به معنای امتیازی است که فرد در جامعه دارد حالا ممکن است این فرد کارگر باشد در اینصورت ما شاخه ای از حقوق را تحت عنوان "حقوق کار" برای کارگر پذیرفته ایم که منطق خودش و تعریف گسترده ی خودش را دارد. وقتی از "حقوق کار" به عنوان یک علم صحبت می کنیم آنگاه روشن می شود که کاربرد "حقوق" به جای مزد تاچه اندازه می تواند گمراه کننده باشد و اگر از "حقوق کار" به عنوان بخشی از علم که در آن موضوع روابط کار چه انفرادی و چه دسته جمعی شرایط انجام کار را در بر می گیرد؛ صحبت می کنیم! معلوم می شود که علم حقوق در عرصه روابط کار تا چه اندازه بر زندگی اقتصادی و اجتماعی کارگران تاثیر دارد.

برای روشن شدن این تاثیر و اهمیت آن و فهمیدن تمایز بین "حقوق" و "دستمزد" آگاهی به تعریف "حقوق کار" اهمیت دوچندان پیدا می کند. ببینیم این حقوق کار چیست؟

حقوق کار متضمن اصول و قوانینی است که موضوع آن بحث در باره کارگر \_ کارفرما \_ کارگاه \_ مزد \_ ساعت کار \_ کارنوبتی \_ مرخصی \_ تعطیلات \_ بهداشت کار - قرارداد انفرادی کار - پیمان دسته

جمعی کار - سازمان های کارگری و هم چنین موضوعاتی مانند تعطیل کار - اعتصاب - مراجع حل اختلاف و مراحل رسیدگی - مشارکت کارگران در کار - بازرسی کار و ضمانت های اجرایی آن است

به این ترتیب بسیاری از این حقوق ضمن اهمیت قانون و قانونگزاری صحیح که باید دفاع از نیروی کار را مدنظر قرار دهد؛ در زندگی اجتماعی کارگران؛ اهمیت جامعه‌شناسی هم! دارد و باید علم حقوق را از منظر جامعه‌شناسی هم به درستی دریابیم .

ما در علم جامعه‌شناسی گرایش‌های مختلفی داریم مثل جامعه‌شناسی دین، جامعه‌شناسی شناخت، جامعه‌شناسی شهری، جامعه‌شناسی تعلیم و تربیت، و... از آن جمله است جامعه‌شناسی حقوق. اگر چه جامعه‌شناسی حقوق هم مثل "حقوق کار" در کشور ما ایران کمتر مورد توجه قرار گرفته است اما امروزه توجه به آن برای بهتر زندگی کردن یکی از ضرورت‌های شناخت آن است .

جامعه‌شناسی حقوق عبارت از علم قانون‌گزاری عملی و علمی که راه بهتری را به قانون‌گزاران نشان می‌دهد تا به وظایفشان بهتر عمل کنند! اما جامعه‌شناسی حقوق آن نیست که به تعریف قانون بپردازد یا نظامی از مقولات قضایی با ارزش‌های حقوقی تعریف کند بل که به نوعی به بررسی حقوق از نظر ناتوانی قانون در همگامی با پیشرفت‌های نوین تکنولوژی و ناتوانی آن در کنترل بعضی تأثیرات منفی صنعتی شدن و شهری شدن و یا ناتوانی قانون در شیوه تعلیم و تربیت و ناتوانی قانون در مسیر توسعه اجتماعی و اقتصادی و فرهنگی و مهمتر از همه ناتوانی قانون در برقراری حقوق و آزادی های فردی و اجتماعی و ناتوانی قانون در برقراری عدالت اجتماعی را نشان می‌دهد .

به اعتبار شناخت از "حقوق" از نظر جامعه‌شناسی، آنچه که نمود اجتماعی پیدا می‌کند، این است که این حقوق تا چه اندازه به برابری اجتماعی و ایجاد فرصت‌های برابر برای افراد جامعه و از جمله کارگران - نظر دارد! مثلاً وقتی دریابیم در عرصه روابط کار این حقوق تا چه حد و به چه میزان رعایت نشده است و این خلاء حقوقی زمینه‌ای برای رواج و توسعه تبعیض می‌گردد. تبعیضی که خود مقدمه ایجاد و افزایش اختلافات طبقاتی است. آنگاه از اهمیت قانونگذاری و موضوع تأثیر پذیری آن؛ از جنبش های اجتماعی و از جمله جنبش‌های کارگری پی خواهیم برد .

از این منظر که نگاه کنیم ارتباط موضوعاتی از حقوق کار مثل حق آزادی تشکل های مستقل کارگری، حق اعتصاب، حق قرارداد های فردی و دسته جمعی و نبود آن برای کارگران به خوبی نقش خود را در میزان توسعه ی فقر در میان کارگران و جامعه خود را نشان خواهد داد .

وقتی مجالس قانونگذاری با استفاده از قدرت دولتی و حکومت، ترکیب سهم هریک از نیروهای درگیر در تعیین نظام دستمزدی را به سود دولت - که خودکارفرمای بزرگ در ایران است و همچنین به سود کارفرمایان رقم می‌زند و ساختاری با آرای بسیار غیردموکراتیک هشت رای در مقابل سه رای ایجاد می

کنند؛ وقتی در همان ساختار تعیین‌کننده‌ی "شورای عالی‌کار" هم نمایندگان برخاسته از تشکل‌های واقعی و مستقل کارگری نیستند! جای دارند، به فرض کوشش جدی این نمایندگان در تصویب مزدی مناسب با شرایط اقتصادی اکنون جامعه قطعاً دستمزد و متعلقات آن دستمزدی مناسب برای برچیدن انواع فقر مطلق و نسبی از زندگی کارگران نخواهد بود.

من امیدوارم توانسته باشم به اصلاحی در درک تمایز بین حقوق و دستمزد کمک کرده باشم و بخش اول عنوان برنامه یعنی موضوع حقوق به عنوان مجموعه اصول و قوانین را در عدم تصویب مزد و رابطه اش با فقر را نشان دهم حال ببینیم دستمزد مصوب تا چه میزان با فقر موجود رابطه دارد؟

.... ادامه دارد